**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه269– 25 /03/ 1399 عده‌ی وطی به شبهه /مساله‌ی یازدهم /متن تکمله‌ی عروه /اقوال فقها**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مساله‌ی یازدهم تکمله‌ی عروه و عده‌ی وطی به شبهه بود. به مناسبت وارد بحث وجوب یا عدم وجوب عده یا استبراء در زانیه شدیم. یکی از روایات این بحث، خبر اسحاق بن جریر بود که به دلیل «بعض اصحابنا» که در سند واقع شده است، مرسل می باشد.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ‏ يَفْجُرُ بِالْمَرْأَةِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي تَزْوِيجِهَا هَلْ يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُوَ اجْتَنَبَهَا حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا بِاسْتِبْرَاءِ رَحِمِهَا مِنْ مَاءِ الْفُجُورِ فَلَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا وَ إِنَّمَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا بَعْدَ أَنْ يَقِفَ عَلَى تَوْبَتِهَا[[1]](#footnote-1)

# رفع مشکل ارسال خبر اسحاق بن جریر

برای رفع ارسال این روایت باید بر اساس احتمالات بررسی کنیم که «بعض اصحابنا» به احتمال قوی چه کسی می تواند باشد.

اگر واسطه‌ی بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی در همه‌ی موارد ثقه باشند، می توان گفت روایت معتبر است.

برای این منظور در نرم افزار درایة النور واسطه های بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی را بررسی می کنیم. در نرم افزار درایة النور به بخش اسناد و سپس به بخش روای رفته و گزینه‌ی ارتباط را انتخاب می کنیم و با انتخاب این دو راوی و اضافه کردن این دو به بخش ارتباط می توانیم واسطه های این دو راوی را ملاحظه کنیم.

واسطه های محمد بن یحیی العطار و عثمان بن عیسی به ترتیبِ فراوانیِ تکرار عبارتند از:

1. احمد بن محمد بن عیسی الاشعری: 221 مورد
2. محمد بن حسین بن ابی الخطاب: 75 مورد
3. احمد بن محمد بن عیسی الاشعری-الحسین بن سعید الاهوازی: 14 مورد

ظاهر بعض اصحابنا این است که واسطه یک نفر است، در نتیجه «احمد بن محمد بن عیسی الاشعری عن الحسین بن سعید الاهوازی» نمی تواند واسطه باشد.

واسطه های دیگر هر کدام یک یا دو مورد هستند؛ در نتیجه شاید بتوان گفت واسطه‌ی بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری یا محمد بن حسین بن ابی الخطاب می باشد.

البته بهتر است در نرم افزار درایة النور، همه‌ی کتب را ببندیم و فقط کافی را باز بگذاریم؛ در این صورت نتیجه چنین می شود:

1. احمد بن محمد بن عیسی الاشعری: 72 مورد
2. محمد بن حسین بن ابی الخطاب: 22 مورد
3. احمد بن محمد بن عیسی الاشعری-الحسین بن سعید الاهوازی: 3 مورد

نتیجه تغییر خاصی نکرد و فقط تعداد موارد کمتر شد.

## اشکال شهید صدر به مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی و پاسخ به آن

مرحوم شهید صدر در بحث وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی اشکالی را مطرح می کند که این سه نفر از بعضی افراد غیر ثقه هم روایت کرده اند.

سپس پاسخ می دهد که حساب احتمالات اقتضا می کند که این چند نفر را در محاسبات، نادیده بگیریم؛ زیرا مثلا ابن ابی عمیر از صد نفر روایت دارد و سه نفر از این روات ضعیف می باشند که احتمال سه در صدی ایجاد می کند که می توان آن را نادیده گرفت.

البته در این شرایط نباید فقط تعداد مشایخ را ملاحظه کرد؛ بلکه تعداد روایات مشایخ را هم باید لحاظ کرد؛ مثلا ابن ابی عمیر از مشایخ معروف و ثقه روایات فراوانی دارد اما از مشایخ ضعیف روایات کمی دارد؛ در نتیجه باید تعداد روایات از راویان ثقه را با تعداد روایات از راویان غیر ثقه مقایسه کرد. در این صورت نقل های از راویان ضعیف بسیار کمتر از سه درصد خواهد شد.

## اشکال شهید صدر در مورد وثاقت «بعض اصحابنا»

سپس مرحوم شهید صدر اشکال می کند که در نظر گرفتن حساب احتمالات به این نحو برای اثبات وثاقت بعض اصحابنا صحیح نیست؛ زیرا نفسِ مبهم گذاشتن راوی دلیل بر عدم اعتنا به راوی است که موجب شده است نامِ راوی فراموش شود. فراموش شدن نام راوی باعث می شود احتمال ضعیف بودن «بعض اصحابنا» بالا رود.

### پاسخ استاد به اشکال شهید صدر

در بحث مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی، پاسخ های خاصی وجود دارد که آیت الله والد به آن پرداخته اند.

در سند روایت اسحاق بن جریر پاسخ های دیگری می دهیم:

گر چه گاهی عدم اعتنا و اهتمام موجب فراموشی نام راوی می شود؛ اما احتمال بیشتر در مورد فراموشی این است که گرچه شخص راوی مهم نبوده است؛ اما شخصیت او مهم بوده است و شخصیت او را حفظ کرده است. بسیاری از روات که هم از امام باقر علیه السلام و هم از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده اند، فراموش کرده اند که روایتی را از کدام امام شنیده اند؛ به همین دلیل با تعبیر «عن احدهما» روایت را نقل کرده اند. این نحوه‌ی نقل به خاطر عدم اهمیت امام علیه السلام نبوده است؛ بلکه با توجه به این که هر دو امام معصوم می باشند و خصوصیات فردیه مهم نبوده است، به طور دقیق حفظ نکرده اند که هر روایت را از کدام امام شنیده اند. در بسیاری از موارد علت عدم حفظ، مساوی بودن اطراف تردید می باشد. خیلی بعید است که برای ابن ابی عمیر مهم نباشد که از میان یک راوی ضعیف و یک راوی ثقه خصوصیات آن راوی را به ذهن سپارد؛ بلکه ممکن است به خاطر ثقه بودن چند راوی، به خصوصیات آن ها توجه نکرده باشد. این احتمال قوی تر از احتمال عدم اهتمام می باشد.

البته باید به تعبیری که به کار رفته هم توجه داشت. «عن رجل» تعبیر نا محترمانه ای می باشد؛ در حالی که «بعض اصحابنا» این طور نیست و احتمال ثقه بودن آن زیاد است.

در روایات مرسل سه نوع تعبیر داریم:

1. بعضی تعبیرات نشانه‌ی عدم اهتمام به شخص تلقی می شود؛ مانند «عن رجل».
2. بعضی تعبیرات محترمانه است؛ مانند «بعض اصحابنا».
3. بعضی تعبیرات بینابین است؛ مانند «عمن اخبره» و «عمن حدّثه». چنین تعبیراتی نه تعبیر تفخیم است و نه تعبیر توهین.

«بعض اصحابنا» تعبیر محترمانه تری می باشد. مرحوم حاجی نوری در بعضی موارد «بعض اصحابنا» را دلالت بر وثاقت شخص و جلالت می داند و از آن به «بعض علمائنا» و «اجلاء» تعبیر می کند.

## ارسال سند به واسطه‌ی مرحوم کلینی

ممکن است سوالی مطرح شود که چه طور محمد بن یحیی راوی مباشر را فراموش کرده است اما سایر روات سند را به خاطر سپرده است؟ آیا تعبیر «بعض اصحابنا» از جانب محمد بن یحیی می باشد و این ارسال در کلام او بوده است؟ یا ارسال از جانب مرحوم کلینی می باشد؟

به نظر می رسد خیلی بعید باشد که محمد بن یحیی فقط نام شیخ مستقیمش را فراموش کرده باشد.

ممکن است در کتاب محمد بن یحیی، سند با عثمان بن عیسی شروع شده باشد و مرحوم کلینی با دیدن این سند تردید کرده است که وقتی محمد بن یحیی العطار، عثمان بن عیسی را در ابتدای سند قرار داده است و واسطه ای بین خودش و عثمان بن عیسی بیان نکرده است، آیا به این دلیل است که روایت را از کتاب عثمان بن عیسی نقل کرده است و طریقش به کتاب عثمان بن عیسی از طریق احمد بن محمد بن عیسی بوده است؟ یا در سند قبلی این طور بوده است: محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین و در سند بعد عثمان بن عیسی در صدر سند بوده است و با تکیه بر سند قبلی، تعلیق صورت گرفته است؟ در واقع برای مرحوم کلینی از این جهت تردید حاصل شده است که تعلیق و حذف ابتدای سند به اعتبار طریق و مشیخه‌ی متعارف و معهود محمد بن یحیی به عثمان بن عیسی است یا به اعتبار سند قبل می باشد؟ و همین تردید باعث شده است تعبیر «بعض اصحابنا» بیاورد.

ممکن است محمد بن یحیی در مقام بیان ذکر راوی مباشر نبوده و عثمان بن عیسی را در ابتدای سند قرار داده باشد و مرحوم کلینی می دانسته که محمد بن یحیی از عثمان بن عیسی مستقیم نقل نمی کند و «بعض اصحابنا» بین این دو فاصله است؛ به همین دلیل چنین تعبیری آورده است.

واسطه شدن محمد بن الحسین بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی بعید نیست و برای بررسی این احتمال باید واسطه‌ی بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی را در کتاب نکاح بررسی کنیم. برای این منظور در نرم افزار جامع الاحادیث ( محمد بن یحیی ← عثمان بن عیسی) را جستجو می کنیم. ملاحظه می شود که در بسیاری از موارد احمد بن محمد بن عیسی واسطه می باشد. اما این موارد در غیر باب نکاح می باشد. موارد بعدی را که مربوط به باب نکاح است ( جلد پنجم کافی) ملاحظه می کنیم که ابتدای اسنادی که در جستجو یافته ایم، به ترتیب به این شکل است:

مُحَمَّدُ بْنُ‏ يَحْيَى‏ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ‏ بْنِ‏ عِيسَى‏[[2]](#footnote-2)

مُحَمَّدُ بْنُ‏ يَحْيَى‏ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ‏ بْنِ‏ عِيسَى‏[[3]](#footnote-3)

مُحَمَّدُ بْنُ‏ يَحْيَى‏ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ‏ بْنِ‏ عِيسَى‏[[4]](#footnote-4)

و ...

با توجه به این موارد مشخص می شود در کتاب نکاح در تمام موارد واسطه یا محمد بن الحسین است و یا احمد بن محمد و محمد بن الحسین با هم واسطه اند و در هیچ موردی احمد بن محمد به تنهایی واسطه نمی باشد؛ در حالی که در ابواب دیگر معمولا در بیشتر موارد احمد بن محمد واسطه می باشد.

# نتیجه

در این بحث می توان «بعض اصحابنا» را تصحیح کرد؛ زیرا اولا واسطه‌ی بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی، احمد بن محمد بن عیسی و یا محمد بن حسین بن ابی الخطاب است و غیر این دو به ندرت وارد شده است.

در روایتی در باب مسجد سهله در کافی در سند روایت بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی شخص دیگری واسطه شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ‏ يَحْيَى‏ عَنْ‏ عَلِيِ‏ بْنِ‏ الْحَسَنِ‏ بْنِ عَلِيٍ‏ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَد[[5]](#footnote-5)

سند این روایت در تهذیب به این شکل است:

مُحَمَّدُ بْنُ‏ يَحْيَى‏ عَنْ‏ عَلِيِ‏ بْنِ‏ الْحَسَنِ‏ بْنِ‏ فَضَّالٍ‏ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ‏ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَد[[6]](#footnote-6)

به قرینه‌ی «الغیبة» شیخ طوسی مراد از عثمان، عثمان بن عیسی می باشد. در کتاب «الغیبة» سند این روایت به این شکل آمده است:

الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَد[[7]](#footnote-7)

به نظر می رسد نقل تهذیب صحیح باشد که «الحسین بن سیف» بین علی بن الحسن بن فضال و عثمان بن عیسی فاصله شده است و نقل کافی صحیح نمی باشد؛ زیرا طبقه‌ی عثمان بن عیسی نسبت به علی بن الحسن بن فضال کمی مقدم است.

در توضیح الاسناد ذیل همین سند از کافی در مورد «علی بن الحسن بن فضال عن عثمان بن عیسی» و اشکال سندی موجود در آن مفصل توضیح داده ایم.

در هر صورت روایت محمد بن یحیی از عثمان بن عیسی به واسطه‌ی علی بن الحسن بن فضال اگر ثابت شود، همین یک مورد می باشد که اشکالاتی دارد؛ در نتیجه واسطه‌ی بین این دو احمد بن محمد یا محمد بن حسین می باشد.

اگر عدم ذکر راوی به این دلیل است که مرحوم کلینی احتمال داده است که محمد بن یحیی به طریق متکررش به عثمان بن عیسی اعتماد کرده است، در این صورت به احتمال زیاد احمد بن محمد و به احتمال کمی ضعیف تر محمد بن حسین بن ابی الخطاب واسطه خواهد بود.

اگر حذف اول سند در کتاب محمد بن یحیی به اعتماد اسناد قبل باشد، به احتمال زیاد محمد بن حسین و به احتمال ضعیف تر احمد بن محمد واسطه خواهد بود؛ زیرا در کتاب نکاح اغلب محمد بن حسین واسطه شده است و در چند مورد احمد بن محمد هم به عنوان واسطه به محمد بن حسین ضمیمه شده است.

بنابراین می توان اطمینان یافت که واسطه‌ی بین محمد بن یحیی و عثمان بن عیسی، احمد بن محمد یا محمد بن حسین بن ابی الخطاب می باشد.

# صحیحه بودن روایت اسحاق بن جریر

سوال دیگری که مطرح می شود این است که آیا روایت به اعتبار عثمان بن عیسی که واقفی است، موثقه می باشد؟

با توجه به این که عثمان بن عیسی در زمان امام رضا علیه السلام توبه کرده است و در رجال نجاشی در ترجمه‌ی عثمان بن عیسی آمده است:

«... و كان شيخ الواقفة و وجهها و أحد الوكلاء المستبدين بمال موسى بن جعفر عليه السلام روى عن أبي الحسن عليه السلام. ذكره الكشي في رجاله. و ذكر نصر بن الصباح قال: كان له في يده مال يعني الرضا [عليه السلام‏] فمنعه فسخط عليه. قال: ثم تاب و بعث إليه بالمال‏...»[[8]](#footnote-8)

یعنی در زمان امام رضا علیه السلام توبه کرده است و اموال را به امام رضا علیه السلام داده است.

روایات احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب بعد از توبه‌ی عثمان بن عیسی بوده است؛ در نتیجه می توان روایت اسحاق بن جریر را صحیحه دانست.

# بررسی نقل دیگر روایت اسحاق بن جریر

نقل دیگر روایت اسحاق بن جریر در تهذیب وارد شده است:

رَوَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ‏ لَهُ‏ الرَّجُلُ‏ يَفْجُرُ بِالْمَرْأَةِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي تَزْوِيجِهَا هَلْ يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُوَ اجْتَنَبَهَا حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا بِاسْتِبْرَاءِ رَحِمِهَا مِنْ مَاءِ الْفُجُورِ فَلَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا.[[9]](#footnote-9)

آیت الله والد می فرماید: در طریق احمد بن محمد بن عیسی از اسحاق بن جریر واسطه ای سقط شده است که علی بن الحکم یا حسن بن محبوب می باشد و احتمال سقط علی بن الحکم اقوی است.

احتمال دیگری که وجود دارد این است که واسطه‌ی بین احمد بن محمد بن عیسی و اسحاق بن جریر، عثمان بن عیسی باشد و قرینه‌ی آن هم روایت کافی است که عثمان بن عیسی از اسحاق بن جریر نقل کرده است. همچنین یکی از احتمالات در «بعض اصحابنا»ی کافی احمد بن محمد بن عیسی می باشد. منشا سقط هم پرش از عیسی به عیسی بوده است: احمد بن محمد بن عیسی عن عثمان بن عیسی عن اسحاق بن جریر.

اگر در نرم افزار درایه در بخش ارتباط، رواتی را که بین احمد بن محمد بن عیسی و اسحاق بن جریر واسطه شده اند، جستجو کنیم، فقط حسن بن محبوب و علی بن الحکم را می یابیم.

عثمان بن عیسی گر چه بین احمد بن محمد بن عیسی و اسحاق بن جریر واسطه نشده است؛ اما اگر رواتی را که از اسحاق بن جریر روایت می کنند، جستجو کنیم، عثمان بن عیسی بیشترین روایت را از او نقل کرده است، پس از عثمان بن عیسی، حسن بن محبوب و علی بن الحکم در رتبه های بعدی قرار دارند؛ در نتیجه عثمان بن عیسی را هم باید به عنوان یک احتمال جدی مطرح کرد.

با توجه به ملاحظه‌ی مجموع جهات، سند صحیح روایت اسحاق بن جریر احتمالا به این صورت می باشد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَد بْن مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ

در نتیجه سند روایت تصحیح می شود.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص356.](http://lib.eshia.ir/11005/5/356/%D8%A8%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B1%D8%A3%D8%A9) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص423.](http://lib.eshia.ir/11005/5/423/%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص427.](http://lib.eshia.ir/11005/5/427/%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص440.](http://lib.eshia.ir/11005/5/440/%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص495.](http://lib.eshia.ir/11005/3/495/%DB%8C%D8%AD%DB%8C%DB%8C) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص252.](http://lib.eshia.ir/10083/3/252/%D9%81%D8%B6%D8%A7%D9%84) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الغیبة، شیخ طوسی، ج1، ص471.](http://lib.eshia.ir/15084/1/471/%D8%B4%D8%A7%D8%B0%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-7)
8. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص300.](http://lib.eshia.ir/14028/1/300/%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D9%82%D9%81%D8%A9) [↑](#footnote-ref-8)
9. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج7، ص327.](http://lib.eshia.ir/10083/7/327/%DB%8C%D8%A8%D8%AF%D9%88) [↑](#footnote-ref-9)